

بررسی نظم و امنیت اجتماعی در دوره تیموریان با تکیه بر تزوکیات تیموری

فاطمه رستمی^۱

تاریخ دریافت:
۹۴/۰۷/۱۱ تاریخ
پذیرش:
۹۴/۰۸/۲۸

از صفحه ۵۷ تا ۷۴

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات
تاریخ انتظامی
سال دوم، شماره چهارم، بهار
۱۳۹۴

چکیده

برقراری نظم و امنیت در هر جامعه بی‌شک یکی از دغدغه‌های حاکمیت و نهاد اجرایی است؛ این مقوله در طول تاریخ از سوی حکومت‌گران به شکل ساختارهای ویژه و در غالب اوقات به صورت صدور فرامین، دستورها و آیین‌نامه‌هایی مطرح و مورد دقت قرار می‌گیرد. در دوره تیموریان اصول و قواعد برقراری نظم و امنیت در قالب دو هنجار مغولی و اسلامی توسط تیمور مورد تأکید قرار گرفت. در سنت مغولی پیروی از یاسای چنگیزی که تیمور خود را از سلاله آن‌ها می‌دانست، در کنار آموزه و شریعت اسلامی در هم تنیده و دستاورد آن مجموعه فرامین، وصایا و قواعدی از سوی تیمور بود. این مجموعه قوانین و برنامه‌ها در کتاب معروف «تزوکیات تیمور» اثر ابوطالب حسینی تربتی ثبت و مکتوب گردید. میزان تطابق وصایای تیمور و تأکید او بر سنت مغولی و اسلامی در باب نظم با عمل‌کرد شاهان تیموری در بطن جامعه مهم‌ترین مسئله پژوهش حاضر است. سؤال اصلی مقاله این است که چه رابطه‌ای میان گفته‌های تیمور در تزوکیات تیموری با اقدامات سلاطین تیموری در جامعه وجود دارد و این روند در دوره‌های جانشینی تیمور چگونه صورت پذیرفته است؟ دستاوردهای پژوهش نشان می‌دهد که در برهه‌های مختلف، میزان عملکرد شاهان تیموری نسبت به مقوله نظم و امنیت اجتماعی در سطح جامعه فراخور سیاست‌ها و اقتدار سلاطین تیموری متفاوت بوده است. هم‌چنین این شرایط در مراحل زوال و افول حکومت تیموری سبب گردید تا روند تأکید برقراری نظم و امنیت اجتماعی از سوی تیمور به معنای واقعی خود در جامعه عصر تیموری صورت پذیرفته و مورد اغفال قرار گیرد.

کلید واژه‌ها

امنیت اجتماعی، تیموریان، تزوکیات تیموری، ابوطالب حسین تربتی.

مقدمه

هنگامی که یک پژوهشگر تاریخ، حوادث تاریخ قرن هشتم هجری ایران را ورق می‌زند محال است با شنیدن نام تیمور این شخصیت تاریخی را نشناخته یا حداقل اطلاعاتی از جنگ‌ها و لشکرکشی‌هایش نشنیده باشد. با مروری بر تاریخ قرون میانه نام تیمور در کنار اسامی نام آوران تاریخی چون چنگیز خودنمایی می‌کند. اقوامی که بارها از سمت مرزهای شرقی به ایران حملات سهمیگن داشته و چون کابوسی ترسناک آوازه خود را در اذهان عمومی بر جای گذاشتند. تیمور خود بر ابعاد خشونت و صلابت رأی در زمینه سیاست مخالفان تأکید داشته و آن را دستاورد نافرمانی از خدا و نشانه غضب الهی می‌دانست. این بعد شخصیتی تیمور در کنار عنایت ویژه‌اش به فرهنگ و تصوف در نوع خود قابل تأمل است. منابع دوره تیموری بر وجه دوم تیمور بیش از اولی تمرکز کرده و در تلاش بوده‌اند تا اقدامات ناشایست او را در جریان کشتار مردم با طراحی سیاست‌ها و تدابیر نظامی و سیاسی کم‌رنگ جلوه سازند. تزویرات تیموری نوشته ابوطالب تربتی از جمله همین منابع است که با گردآوری سخنان تیمور در خصوص برقراری نظم و امنیت اجتماعی و رعایت مساوات از وی چهره‌ای با ابعاد دوگانه ساخته است؛ بعد مخرب و طغیان‌گر و در عین حال مصلح و سازنده. تزویرات تیموری مجموعه‌ای از وصایا و تدابیر تیمور در خصوص شیوه ملک‌داری و تلاش جهت برقراری نظم و امنیت اجتماعی است. تأکید تیمور حفظ سنت مغولی و پیوند آن با سنت اسلامی بود. این روند در دوره جانشینان او نیز ادامه یافت و تأثیرات مثبت و منفی خود را در جامعه عصر تیموری برجا گذاشت.

مطالعات تاریخی به‌صورت کلی به ساختار اجتماعی و سیاسی تیموریان توجه کرده‌اند. محققانی چون منز^۱، اکا^۲ و رویمر^۳ به ابعاد مختلف نظام اجتماعی تیموریان پرداخته و سعی در تبیین و واکاوی شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه تیموری داشته‌اند.

1-B. F. Manz

2-A. Aka.

3-H. R. Roymer

مقاله "سیاست قضایی سلاطین تیموری" فریدون الهیاری و معصومه سمائی دستجردی، در خصوص کاربردکرد نهاد قضاوت در دوره تیموری و میزان عملکرد قضاات و مجریان امور قضایی نگاشته شده است. مقاله‌ای دیگر از معصومه سمائی با عنوان "آیین محاکمه و مجازات در دوره تیموریان" در خصوص قوانین جزایی دوره تیموریان به رشته تحریر در آمده است. بخشی از مقاله عبدالمحمد عزیزیان با عنوان "دیوان‌سالاری عهد تیموری" نیز در خصوص سازماندهی قضایی و اداری نکاتی در خور توجه دارد؛ آن‌چه در این مقاله به آن توجه شده، بررسی مطالب مندرج در تزوکیات تیموری در خصوص تأکید تیمور بر نظم و امنیت و میزان انعکاس آن در بطن جامعه تیموری است، امری که کمتر از سوی پژوهشگران مورد توجه قرار گرفته است. سؤال اصلی مقاله این است که چه رابطه‌ای میان فرامین تیمور در تزوکیات تیموری با اقدامات سلاطین تیموری در جامعه وجود دارد و این روند در دوره‌های جانشینی تیمور چگونه صورت پذیرفته است؟ مقاله حاضر در صدد است تا با نگاهی تحلیلی میان مطالب تزوکیات تیموری با اقدامات سلاطین تیموری در بطن جامعه اوضاع اجتماعی و میزان نظم و امنیت اجتماعی در دوره تیموری را مورد بررسی قرار دهد.

۱- تزوکیات تیموری: مجموعه قوانین مدون تیمور

تزوکیات تیموری در حقیقت بخش‌های اول و دوم کتابی است با عنوان واقعیات تیموری یا ملفوظات تیموری که به قول حسینی تربتی، نگارنده اثر در مقدمه، اصل کتاب به زبان ترکی جغتایی و به انشای امیرتیمور گورکانی بوده که وی آن را به فارسی ترجمه و بعدها به شاه جهان تقدیم کرده است.^۱ شاه جهان هم چون قسمت حوادث تاریخ تیمور را با *ظفرنامه* منطبق نیافت، کتاب را به محمد افضل خان سپرده که آن را از خطا و اشتباه خالی سازد و محمد افضل خان نیز کتاب را با *ظفرنامه* تطبیق کرده و در نتیجه این دستکاری‌ها متن جدیدی به دست آمده به نام *ملفوظات تیموری*. در حقیقت تزوکیات زیر مجموعه

۱- برای مطالعه و مشاهده اصل نسخه کتاب نک: "یادداشت‌هایی در خصوص تزوک نامه تیموری"، پیام بهارستان سال سوم تابستان ۱۳۹۰ شماره ۱۲.

ملفوظات تیموری است. در انتساب محتوای این اثر با گفته‌های تیمور نیز تردید فراوان وجود دارد. به باور بارتولد^۱ سبک نگارشی تزوکات بیشتر به سبک هندی قرن دهم نزدیک بوده تا قرن نهم هجری و محققانی چون محمدتقی بهار، ذبیح‌الله صفا، عبدالحسین زرین‌کوب، نوایی و ادوارد براون به صحت تزوکات تیموری نیز به دیده شک نگریسته‌اند (تزوکات تیموری، ۱۳۴۲، مقدمه کتاب، ص ۷-۸).

اما آنچه استنباط می‌شود، این است که بسیاری از گفته‌ها و مطالب مندرج در تزوکات با سخنان تیمور در دیگر منابع نظیر *ظفرنامه* شامی و یزدی هم قرین بوده و چندان ابعاد وجودی و عقیدتی تیمور را نقض نمی‌کنند. هم‌چنین تاکنون عدم صحت این گفته‌ها از سوی تیمور تنها در حد شک بوده و دلایل متقنی از سوی پژوهشگران در اثبات جعلی بودن اثر دیده نشده است. از سوی دیگر مطالب تزوکات تیموری در نوع خود حاوی نکات ارزشمند و قابل تأمل در باب انتظام و برقراری امنیت از منظر تیمور و جانشینانش بوده که همین امر بسیاری از شبهات پیرامون اثر را کم‌رنگ می‌کند.

نام کتاب مورد بحث تزوکات تیموری است. تزوک در لغت به معنای بنیان‌ها، تأسیسات، طرح‌ها و تعبیه‌هاست (همان منبع: ۴). به شکل تخصصی‌تر مراد از تزوک طراحی یک الگوی منسجم ملک‌داری و تأمین انتظام همگانی در جامعه است. مفاد حاضر در تزوکات تیموری تأکید بر برقراری نظم و امنیت اجتماعی را نشان می‌دهد که حول دو محور مباحث نظری و مباحث علمی تنظیم گردیده است. در بخش اول، یعنی مباحث نظری، تیمور خود را سلطانی عادل دانسته و چنین می‌گوید: "به عدالت و انصاف، خلق خدا را از خود راضی داشتم و بر گناهکار و بی‌گناه رحم کردم و حکم بر حق کردم و به سیاست و انصاف سپاه و رعیت را در میانه امید نگاه داشتم و داد مظلوم را از ظالم گرفتم و بعد از اثبات ظلم مالی و بدنی، موافق شرع در میانه ایشان محاکمه نمودم" (همان: ۱۶۴-۱۶۲). در بخشی دیگر از تزوکات از زبان تیمور چنین آمده: "آنچه موجب زوال و انتقال دولت بود از آن اجتناب کردم و از ظلم و فسق که انقطاع نسل

1 - Vasily Bartold

می‌کند و قحط و وبا آرد، احتراز لازم دانستم" (همان: ۱۶۹). در جای دیگر کتاب اذعان دارد که پیر طریقت به وی گوشزد کرده تا "وزراء و لشکریان و عمالان و کارکنان و سپهسالاران هر یک در حد مرتبه خود بوده، منتظر حکم باشند و هر طایفه و هر قوم را در مرتبه ایشان بدار تا سلطنت تو به نظام و انتظام در آید و اگر حفظ مراتب هر چیز و هر کس نکنی، بسی خلل و فساد در امور سلطنت تو راه یابد" (همان: ۲، ۳، ۲۰۲). این قبیل عبارات در سطور مختلف تزوکات تیموری به چشم می‌خورد که می‌توان آن را اصول نظری مقوله نظم و امنیت اجتماعی از سوی تیمور دانست.

بخش دوم تزوکات شامل مباحث و طرح راه‌کارهای عملی است که متعاقب همان اهداف نظری است. در راستای همان اهداف تیمور در تزوکات که همانا برقراری نظم و امنیت است، تیمور طوایف مختلف مردم را به دوازده طایفه تقسیم کرده و گفته است: «این دوازده طایفه را به منزله دوازده برج فلک و دوازده ماه کارخانه سلطنت خود قرار دادم» (همان، ۲۰۶). وی در اولین طبقه از سادات و علما و فضلا یاد کرده است؛ کسانی که به گفته تیمور «مسائل علوم دینی و حکمی و عقلی و مسائل حلال و حرام را از ایشان استفسار می‌نموند» (همان‌جا). در ادامه طایفه دوم عقلاء و اصحاب کنکاش و ارباب حزم و احتیاط و مردم کهنسال؛ طایفه سوم ارباب دعا؛ طایفه چهارم امرا و سرهنگان و سپهسالاران و ارباب شجاعت؛ طایفه پنجم اشجعان سپاه از بهادران و دلاوران و کلاتران و کدخدایان؛ طایفه ششم خردمندان معتمد راسخ‌الاعتقاد؛ طایفه هفتم وزراء و کُتاب و منشیان؛ طایفه هشتم حکما و اطباء و منجمان و مهندسان؛ طایفه نهم محدثین و ارباب اخبار و قصص (مورخین)؛ طایفه دهم مشایخ و صوفیان و عارفان؛ طایفه یازدهم ارباب صناعت و در نهایت طبقه دوازدهم مترددین و مسافران (همان: ۲۱۶-۲۰۶).

در توضیحات و توصیفات تیمور در تزوکات تیموری از هر یک از این طوایف دوازده‌گانه آورده و بر آن تأکید داشته، همه طوایف از اهمیت و رجحان برخوردار بوده‌اند. برای هر یک از این گروه‌ها در سلک و پیشه خود حقوق و وظایفی تعیین شده

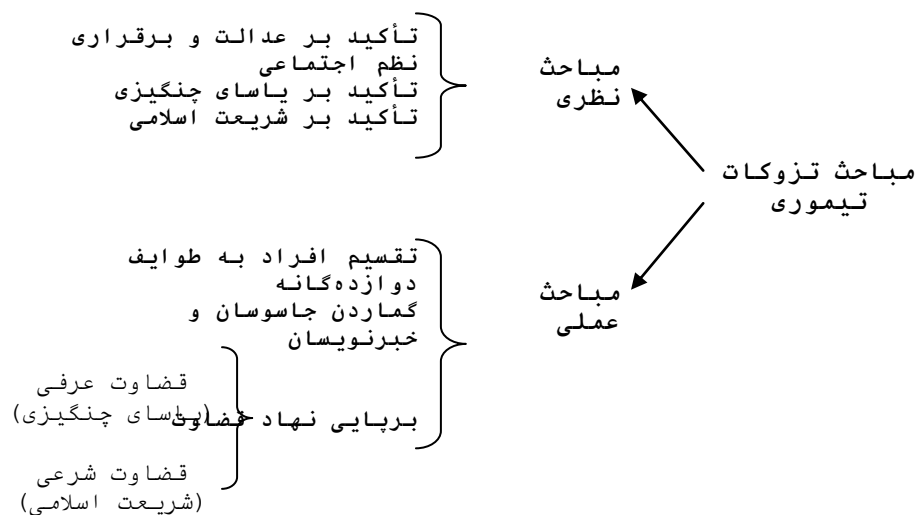
است. در قسمت اهداف عملی تزوکات تیمور، قوانین پایه‌ریزی شده از سوی تیمور در جهت احقاق نظم و امنیت جامعه بر دو سنت مغولی و اسلامی بنا شده بود. در بخش نخست و در خصوص یاسای چنگیزی، سلطان به‌عنوان بالاترین مقام رأس تمام امور قضایی قرار داشت؛ او عالی‌ترین قاضی و دادرس در کشور محسوب می‌شد که نه تنها خود در محکمه مظالم به قضاوت می‌نشست، بلکه حکم وی در تعیین، تبدیل و تضعیف مجازات‌ها در سایر محاکم قضایی تأثیر می‌گذاشت و عالی‌ترین مقامات قضایی نظیر قاضی‌القضات توسط وی منصوب می‌شدند (همان: ۱۸۹).

بخش دوم از اهداف عملی قوانین تیمور حول محور قانون شریعت اسلام قرار داشت که به قوانین شرعی معروف بود. نکته مؤکد تیمور در تزوکات تیموری تأکید وی بر اجرای احکام اسلام و دقت نظر او بر روی برقراری دقیق آن است. در بخشی از تزوکات آمده: "چون تزوک دین و شریعت کردم شروع در تزک کارخانه سلطنت خود نمودم. توره و تزوک مراتب سلطنت خود نگاه داشتیم.... اول قواعد سلطنت خود را بدین اسلام و شریعت خیرالانام و محبت آل و اصحاب واجب الاحترام آن حضرت استوار داشتیم و حفظ مرتبه سلطنت خود به توره و تزوک نگاه داشتیم که بر دوستی من افزودند و با دشمنان به مرتبه سلوک نمودم که دشمنی را به دوستی مبدل ساختند" (حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ۲۰۰). در خصوص اجرای این قبیل احکام، قوانین در محاکم شرعی و توسط قاضی شرع مورد استفاده قرار می‌گرفت (همان: ۲۵۲).

نکته مؤکد دیگر در تزوکات تیموری مجموعه فرامین در خصوص اجرای احکام قضایی است؛ این احکام شامل مجازات در خصوص جرایم افراد عادی و صاحب‌منصبان بود؛ از جمله جرم‌های مالی - اداری مخصوص کارگزاران حکومتی نظیر سوء استفاده‌های مالی اعم از رشوه خواری، تصرف در اموال و وجوه دولتی و دیوانی، جعل مهر و امضا و رباخواری و اخاذی، از سوی تیمور به‌شدت مورد نکوهش قرار می‌گرفت و با متخلفان این قبیل جرایم به‌شدت برخورد می‌شد. در تزوکات تیموری در خصوص مجازات عمومی نظیر تجاوز به جان و مال و ناموس مردم، راهزنی، زنا، قتل،

ضرب و جرح و هرگونه بر هم زدن نظم اجتماعی، هم به احکام یاسا مانند داندن شکستن، چشم کور کردن و گوش و بینی بریدن (همان جا) و هم به احکام اسلامی نظیر قطع کردن دست (همان: ۳۵۰) تأکید شده است. اجرای احکام قضایی برعهده نیروهای انتظامی این دوره مانند شحنة، داروغه، عسس و دیگر قوای انتظامی بود. این نیروها در واقع ضابطان دادگستری این دوره بودند. برخی از وظایف آنها عبارتند از: کشف جرم‌ها، دستگیری مجرمان و تجسس‌های لازم پس از وقوع جرایم برای کسب شواهد و سرنخ‌های بیشتر و پی بردن به محل اختفای مجرمان و اجرا و ابلاغ احکام قضایی بود (نوایی، ۱۳۴۱: ۱۴۹-۱۴۶؛ کاتب یزدی، ۱۳۴۵: ۲۶۴؛ خواندمیر، ۱۳۳۳: ۴۳۲-۴۳۱).

بنا بر فرمان تیمور در هر شهر به‌خصوص در شهرهای مهم، هر محله‌ای، یک رئیس انتظامات یا کوتوال داشت، در شهرها و روستاها مأمورانی زیر فرمان او بودند که قورچی خوانده می‌شدند. علاوه براین، شحنة‌ها یا فرماندهان قوای انتظامی، یساوان که نوعی از همین فرماندهان محسوب می‌شدند و تنظیم تشریفات با آنان بود، هم‌چنین محتسبان و فرماندهان دیگر قوای انتظامی که در عین حال بازرسان بازارها و اوزان و اندازه‌ها بودند و بالاخره داروغه‌ها که هم بازرسان و هم فرماندهان قوای انتظامی بودند نیز وجود داشتند. مأموران انتظامی شب عسس، و آن عده از مأمورانی که مسئول حفظ جان و مال التجاره بودند، قراسوران خوانده می‌شدند (حسینی تربتی: ۳۴۷).



۲- عملکرد تیمور

در دوره تیمور، یاسای چنگیزی یکی از مهم‌ترین مبانی قضاوت عرفی به‌شمار می‌رفت (ناصری داوودی، ۱۳۷۸: ۱۳۶-۱۳۵). در واقع تیمور نظر به احترامی که به خاندان چنگیزخان داشت، قسمتی از یاسای چنگیزی را پذیرفت و آن را با اصول اسلامی درآمیخت و قواعدی را که به تزوکات تیموری معروف است، ترتیب داد (پارشاطر، ۱۳۳۴: ۴). در این دوره، قواعد و رسوم مغولی بیشتر در امور لشکری و نظامی اعتبار داشت (یزدی، ۱۳۳۶: ۱۸/۲)؛ زیرا لشکریان سلاطین تیموری به‌ویژه تیمور از افراد ساکن ترکستان و ماوراءالنهر به‌ویژه از افراد ایل جغتای بودند (کلاویخو، ۱۳۶۶: ۱۹۸-۱۹۷). بنا بر گفته ابن عربشاه: «تیمور قواعد چنگیزی یاسا را در طریقه شرع محمدی به کار می‌بست و مردم جغتای و اهل دشت قبیچاق و ترکستان همگی روش او را پیروی می‌کردند؛ از این‌رو شیخ حافظ‌الدین یزدی و محمد بخاری و جز آنان از علما و پیشوایان اسلام به کفر تیمور و کسانی که قواعد چنگیز را بر ملت اسلامی برگزیده فتوی دادند» (ابن عربشاه، ۱۳۵۶: ۲۹۸).

قضاوت عرفی بیشتر مبتنی بر دستورات فرامین قضایی حکام و زمامداران و آداب و رسوم حاکم بوده است. در دوره مغولان، یاسای چنگیزی مبنای قضاوت عرفی قرار گرفت. یاسا نخستین قانون مدونی بود که رویاروی قوانین اسلامی قرار گرفت. این وضعیت در دوران تیموریان نیز تداوم یافت و یاسا هم‌چنان مبنایی برای قضاوت عرفی به‌شمار می‌رفت (ناصری داوودی، ۱۸۷۸: ۱۳۶-۱۳۵).

در عمل، شخص اول در خصوص رفع و رجوع کردن احکام قضایی شخص تیمور بود. حکم و فرمان تیمور می‌توانست در شدت یا کاهش مجازات یا عفو افراد نقش مهمی ایفا نماید. به دستور تیمور دارهای بزرگی برای مجازات گناهکاران و مجرمان برپا می‌گردید مجرمان را در برابرش حاضر ساخته و پس از محاکمه، آن مجرم را به دار می‌-

آویختند (کلاویخو، ۱۳۶۶: ۲۴۹-۲۴۸، میرخواند، ۱۳۳۹: ۲۶۵/۶). در دوره تیمور در سایه قدرت او بر اثر نظارت او از طریق جاسوسانش بر نحوه عملکرد عمال و کارگزاران حکومتی از جمله قاضیان، نظم و امنیت و آرامش نسبی در نقاط مختلف قلمرو، به ویژه سمرقند به وجود آمد، چنانکه کلاویخو در این باره می‌نویسد: «در سمرقند ترتیب و نظم به نهایت شدت برقرار است و هیچ کس جرأت نزاع با دیگران را ندارد و به همسایه خود به زور و عنف بیداد نمی‌کند.» (کلاویخو، ۱۳۶۶: ۲۹۱). در تزوکیات نیز در باب این جاسوس از قول تیمور چنین آمده: "امر نمودم در هر سرحدی و ولایتی و شهری و لشکری خبرنگاری تعیین نمایند که از اعمال و افعال حکام و رعیت و سپاه و لشکر خود و لشکر بیگانه و مداخل و مخارج مال و منال و در آمدن و بر آمدن مردم بیگانه و قوافل از اهل و افعال ایشان و جماعه علما و افاضل که از بلاد بعیده روی به درگاه من آورده باشند، به تفضیل از روی راستی و درستی به درگاه من آورده باشند (حسینی تربتی: ۳۵۲).

در زمینه مجازات متخلفان، مجازات تعیین شده در تزوکیات تیموری گاهی در بطن جامعه و توسط تیمور در خصوص افراد متخطی صورت می‌گرفت. به عنوان نمونه هنگام بازگشت تیمور از یورش‌های هفت ساله و در واپسین سال حیات خود در سال ۸۰۷ ه. ق چون به کنار آب مرغاب رسید، مردم آنجا از داروغه خود نزد تیمور شکایت کردند و تیمور متعاقب آن دستور داد پای داروغه را سوراخ کنند و او را سرنگون بیاویزند (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۵۲۶/۳).

در گزارشی دیگر از کلاویخو از شخصی به نام دینا یاد شده که در غیاب تیمور به حدی بر مردم سخت گرفت و بر آنان ستم روا داشت که تیمور در بازگشت به سمرقند وی را بازخواست نموده و در نهایت به دستور تیمور به دار آویخته شد و همه اموال او به سود حکومت مصادره شد (کلاویخو، ۱۳۶۶: ۲۴۹). این گزارش با مطالب مندرج در تزوکیات هم‌خوانی دارد، به طوری که در خصوص این قبیل موارد آمده: "سایر سپاه اگر از حد خود تجاوز نموده، بر زیر دستی ستمی کنند، وی را به مظلوم بسپارند که داد

خود را از وی بگیرد (حسینی تربنی: ۲۵۲). این رویه در خصوص سایر اقدامات تیمور با همین حساسیت وجود داشت، به طوری که در هر مسیر و راهی که می‌گذشت، درباره چگونگی عملکرد و رفتار داروغه‌ها و حکام آن ولایت تفتیش و تفحص می‌کرد و در صورت آگاهی از تخطی آن‌ها از احکام و دستورهای آنان را مجازات نموده از کار برکنار می‌کرد و گاهی اوقات دستور قتل آن‌ها را صادر می‌نمود (میرخواند، ۱۳۳۹: ۲۶۴/۶، یزدی، ۱۳۳۶: ۵۶۵/۱).

برقراری امنیت توسط تیمور تنها به شیوه توییح و تنبیه صورت نمی‌گرفت، بلکه روی دیگر این ضمانت توجه به برقراری امنیت و آرامش نسبی در جامعه بود. به‌رغم همه کشتارهای عظیمی که از سوی تیمور بر مردم ایران تحمیل شد، اما منابع دوره تیموری بالاتفاق از میل تیمور به آبادانی و رونق شهرها من جمله سمرقند یاد کرده‌اند. بنا بر گزارش‌های تاریخی تیمور به آبادانی و به‌ویژه توسعه شهر سمرقند توجه خاصی داشت. بدین منظور «به همین قصد مهندسان کاردان و معماران چابک‌دست روشن روان، از تمام ممالک فارس، عراق و آذربایجان و دارالسلام و دیگر بلاد به دارالسلطنه جمع آورده بود.» (یزدی، ۱۳۳۶: ۵۷۱/۱). وی با انتخاب شهر سمرقند به‌عنوان پایتخت خود در شکوفایی و جلال هر چه بیشتر آن شهر تلاش فراوان کرد. ساختن بناهای معتبر و کاخ‌های باشکوه و زیبا و باغ‌های سرسبز و باطراوت و باصفا بنیاد نهاد و مدارس و مساجد همگی گویای اهداف تیمور از مهیا ساختن پایتختی باشکوه بود که البته عظمت خود را چنان‌که خود تیمور اذعان داشته از ثروت و غنایم بیکرانی که از غارت و چپاول دیگر شهرها به‌خصوص هندوستان به چنگ آورده بود (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۲۲۹).

ظاهراً تعمیر و ساخت بناها و عنایت ویژه تیمور به مرمت و عمران، تأثیر خود را در برقراری نظم و امنیت نسبی حداقل در سمرقند بر جای گذاشت. تا جایی که ابن عربشاه نویسنده منتقد و مخالف تیمور با وجود همه نارضایی از وی در خصوص این آبادی و نحوه استفاده مردم از آن چنین نوشته است که «هرگاه تیمور به آن سوی روی

می‌نهاد، آن بستان‌ها گردشگاه مردم شهر بود و توانگر و درویش بدان نزهتگاه‌ها که به نکویی و شگفت‌انگیز مانند نداشت، روی می‌نمودند. میوه‌های شیرین آن بر همه کس رایگان بود و به قیمت خردلی فروخته نمی‌شد. « (ابن عربشاه، ۱۳۵۶: ۳۰۸). تیمور در پایان عمر خود اقدامات خود را چنین توجیه کرده: «از فضل بی‌شمار ملک غفار، چشم دارم که گناهان مرا اگر بسیار است به همین بخشد که دست تعرض ظالمان را از دامن روزگار مظلومان کوتاه کرده‌ام و نگذاشته‌ام که در زمان سلطنت من از قوی بر ضعیف زوری رود، مگر آن‌چه به من نرسانیده باشند و مرا از آن خبر نبوده باشد. « (یزدی، ۱۳۳۶: ۴۶۵/۲). با بررسی گزارش‌های موجود در خصوص اقدامات تیمور با مباحث نظری مندرج در تزوکات تیموری و هم‌خوانی آن با گزارش شرف‌الدین علی یزدی چنین به نظر می‌رسد که در دوره تیمور مباحث نظری تزوکات تیموری در خصوص برقراری امنیت و نظم اجتماعی با مباحث عملی آن منطبق بوده است.

۳- عملکرد جانشینان تیمور

بعد از مرگ تیمور ساختار قضایی و امنیتی تا حدود زیادی دستخوش تغییر و تحول شد. مهم‌ترین دلایل این تحولات را می‌بایست در تغییر خط‌مشی شاه‌رخ در برخورد با دو سنت مغولی و اسلامی جستجو کرد. آن‌چه در این میان برای شاه‌رخ مهم‌تر تلقی می‌گشت، برقراری نظم و امنیت مطابق موازین اسلامی بود. در دوره شاه‌رخ جامعه تیموری از مرحله استقرار به مرحله تثبیت قدم نهاده و لازم بود بیش از توجه به ماهیت نظامی و پیروی از سنت مغولی بر تأیید و حمایت از سنت اسلامی تمرکز می‌شد. در راستای همین اهداف در سال ۸۱۵ ه. ق شاه‌رخ بر قواعد فقه اسلامی به‌جای یاسای چنگیزی تأکید کرد (نوایی، ۱۳۴۱: ۱۳۴). در حقیقت در این دوره بر قضاوت شرعی تزوکات تیموری بیش از قضاوت عرفی توجه شد. بنا به گفته ابن عربشاه "شاه‌رخ، یاسای چنگیزی را به کار نیست و فرمود که سیاست ملک، براساس قواعد اسلامی گذراند و مرا این سخن درست نباید که اعتقاد ایشان بدان کیش بسیار صریح و آشکار می‌بود. « (ابن عربشاه، ۱۳۵۶: ۲۸۹). نکته‌ای که با مفاد تزوکات تیموری مغایرت داشت. شاه‌رخ

در سال ۸۱۲ هـ. ق فرمان داد، شهر مرو را که از زمان حمله مغول‌ها به ویرانی کشیده شده بود، از نو مرمت و درست کنند. او هم‌چنین در مدت سلطنت خود دستور به تعمیر و آبادانی مناطق آذربایجان و عراق عجم که به دست ترکمانان خراب شده بود، داد و برای تحقق این دستور فرمان صادر کرد که هرکس مزارع و باغات خود را احیا کند، مدت پنج سال از پرداخت مالیات معاف خواهد بود (سمرقندی، ۱۳۷۲: ۴۷/۲). روحیه اصلاح و جبران خسارت‌های حاصل از یورش‌های تیمور در مجموعه اقدامات امنیتی شاهرخ به‌خوبی نمایان بوده است. حافظ ابرو مورخ دوره تیموری نیز نقل می‌کند: «شاهرخ فرمان داد تا به عمران و آبادی شهرهای خراسان، از جمله مرو توجه ویژه شود و مساجد، حمامات، خانان، خانقاهات، مدارس، اربطه و قناطر ساخته شد. » (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۶۱-۶۲). برقراری امنیت و احیای نظم و امنیت اجتماعی در دوره شاهرخ تا بدان‌جا بود که بنا به گفته کاتب یزدی «راستی در زمان هیچ پادشاهی، خطه یزد چنین معمور نبوده که در زمان سلطان شاهرخ بهادر... که هزار خانه و دکان و مدارس و خوانق و حمامات و بساتین مجدداً تعمیر یافته بود. » (کاتب یزدی، ۱۳۴۵: ۷). شاهرخ در زمینه قضاوت از ایرانیان مدد خواست، به‌گونه‌ای که از دوره شاهرخ به بعد، بسیاری از قضات از بین ایرانیان انتخاب شدند (سمرقندی، ۱۳۷۲: ۴۸۰، نوایی، ۱۳۶۳: ۴۲-۲۶).

در خصوص عمران و آبادی اهداف مندرج در تزوکات تیموری تقریباً تا پایان دوره تیموریان وجود داشت، به‌طوری که معین‌الدین اسفزاری در باب توجه سلطان حسین بایقرا به عمران و آبادانی می‌نویسد: «لاجرم رعایا چنان به زراعت و عمارت مشغول و مشعوف گشتند که از مرغزار و سنگستان هیچ جا نماند که مزرعه و باغستان نگشت و در تمام بوادی و صحراوات هر چند مواضع یابس و اراضی موات بود، از احداث انهار و اجرای قنوات احیا یافت از جمله آن‌که از خطه مرغاب تا مرو شاهجان قریب به سی فرسخ صحرای موات فاصله بود و از سرخس تا مرو بیست و پنج فرسخ دیگر درین

ایام همایون، تمام مزروع و معمور گشته، چنانکه به یکدیگر متصل شد» (زمجی اسفزاری، ۱۳۳۹: ۳۷۵-۳۷۴/۲).

در زمینه امنیت اجتماعی، از مهم‌ترین کارکردهای دستگاه حکومت، مقابله و سرکوب مخالفان و دشمنان حکومت تیموری بود؛ لذا برقراری نظم خارجی و داخلی به صورت توأمان احساس می‌شد. در این میان وظایف داروغه‌ها بیش از سایر حاکمان حکومتی مهم و جدی تلقی می‌شد. در وضعیت نابسامانی حکومتی یکی از مهم‌ترین وظایف داروغه‌ها، حفاظت و پشتیبانی از منافع سلاطین به طرق مختلف و ممانعت از بروز هرگونه آشوب در حوزه نفوذ خویش بود (منز، ۱۳۷۷: ۶۳)؛ به طوری که اندکی بعد از مرگ تیمور (۸۰۷هـ. ق) ابتدا سید خواجه بن شیخ علی بهادر، حاکم را از عصیان سلطان علی سبزواری خبر داد (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۲۵/۳، سمرقندی، ۱۳۷۲: ۱۷/۲). از دیگر وظایف داروغه‌ها جمع‌آوری اخبار و اطلاعات برای صاحبان خود بود، هم‌چنین جمع‌آوری مالیات را برعهده داشتند (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۶۷۰/۴، سمرقندی، ۱۳۷۲: ۲۵۳/۲).

رویه شاهرخ در خصوص گماردن ایرانیان در دستگاه قضایی بعدها از سوی سلاطین تیموری نظیر ابوسعید تیموری و سلطان حسین بایقرا نیز ادامه یافت. در برخی موارد به فرمان سلطان، قضات نزد او احضار می‌شدند تا به محاکمه فرد بی‌گناهی پردازند که از نظر سلطان مجرم شناخته می‌شد؛ برای مثال به فرمان الغ بیگ پسر شاهرخ، برخی قضات سمرقند به حضور وی رسیدند تا سیدعاشق، محتسب سمرقند را که به اعمال خلاف شرع الغ بیگ و شیخ الاسلام سمرقندی اعتراض کرده بود، محاکمه و تأدیب کنند (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۳۶-۳۵/۴). این قضیه در خصوص اعطای منصب "ترخانی" که تا آن زمان به خاندان‌های معتبر و بانفوذ مغولی داده می‌شد، نیز صادق بود. منصب ترخانی نوعی امتیاز و برتری گروه یا طبقه‌ای خاص در حکومت بود که طی این فرمان شخصی که منصب ترخانی به آن تعلق می‌گرفت، از هرگونه وظایف نظیر دادن مالیات، باج و عوارض حکومتی معاف بود. تا پیش از دوره شاهرخ مخصوصاً در زمان تیمور با تأکید بر تزوکات تیموری (همان: ۱۳۱) این منصب به امرای

صاحب منصب نظیر امیرغیاث الدین ترخان پدر گوهرشاد آغا اعطاء شده بود. اما از دوره شاهرخ به بعد با افزایش درگیری دو گروه نظامیان ترک و دیوانسالاران تاجیک سلاطین تیموری ترجیح دادند تا اعطاء منصب ترخانی را از انحصار خاندان معتبر مغول خارج ساخته و با دادن آن به ایرانیان تا حدودی از قدرت روزافزون نظامیان بکاهند؛ اگرچه در دوره شاهرخ این اقدام به دلیل نفوذ گوهرشاد آغا همسر شاهرخ که از خاندان ترخانی بود، به‌کندی صورت گرفت، اما در دوره‌های بعد برخلاف مفاد مندرج در تزوکات تیموری لقب ترخانی به ایرانیان نیز اعطاء شد. در منشاء الانشا باخرزی نمونه‌های متعددی از اعطاء منصب ترخانی به تجار و کسبه غیر مغولی از سوی ابوسعید و سلطان حسین بایقرا دیده می‌شود (باخرزی، ۸۶۶۹۶: ۵۶-۷۰).

تحول در مناسبات قدرت و درگیری گروه‌های مختلف حکومت در زمان جانشینان تیمور سبب برهم خوردن تعادل کفه قوانین عرفی و شرعی شده و همین امر تبعات خود را در قضاوت گذاشت. قاضی میدی، از قاضیان معاصر سلطان حسین بایقرا در یزد، در منشآت خود از قاضیانی سخن گفته که در زمان او در بلاد مختلف به مفاسدی از قبیل رشوه گرفتن از طرفین درگیر، تصرف در اوقاف و اموال یتیمان، سفیهان و مجانین مشغولند و هدف آنها از تصدی منصب قضاوت کسب مال و جاه است (میدی، ۱۳۷۶: ۱۴۴-۱۴۰).

قاضی نظام‌الدین از قاضیان هرات در زمان سلطان حسین بایقرا، در یک مورد از شکایت‌هایی که برای رسیدگی نزد او آوردند، به دلیل کافی نبودن ادله شاکیان، حاضر نشد علیه متهم که از ملازمان سلطان حسین بود، حکم دهد، به همین دلیل شاکیان به او تهمت زدند که جانب متهم را نگاه داشته است. وقتی این خبر به قاضی رسید، از شغل خود استعفا کرد، وقتی از او درباره علت استعفایش پرسیدند، در پاسخ گفت: «من ارتکاب این شغل از برای آن کرده‌ام که خلاق را از مضایق ضلالت در غرایب جهالت به طریق هدایت آورم، چون خلق به واسطه این کار من در وادی غیبت که اشد من الزنا است، افتاده باشند اولی و انساب بلکه الزام و واجب آن است که به حکم "التقوا مواضع

التهم" این کار را ترک کنم (واصفی، ۱۳۵۰: ۱۶۳-۱۶۰/۲). سلطان حسین بایقرا روزهای دوشنبه و پنجشنبه هر هفته، قضات و علما را به حضور خود می‌طلبید و در حضور آن‌ها به احوال مظلومین و دادخواهان رسیدگی می‌نمودند و در حل قضایا، فتوای ائمه را مد نظر قرار می‌داد (میرخواند، ۱۳۳۹: ۷/۵). نویسندگان و مورخان تیموری و بعد از آن از وی به‌عنوان سلطان عادل نام برده‌اند (زمجی اسفزاری، ۱۳۳۹: ۳۱۱/۲، سمرقندی، ۱۳۷۲: ۳۳۹).

به‌رغم اهتمام سلاطین تیموری در عرصه آبادانی و عمران، در دوره‌های پایانی حیات تیموریان وضعیت نهاد اجرایی متزلزل شد؛ به‌گونه‌ای در این زمان گاه قاضیان براساس شایستگی‌ها و مهارت‌هایشان به این شغل منصوب می‌شدند و گاهی هم با دادن رشوه به این منصب دست پیدا می‌کردند. از جمله در دوره سلطان حسین بایقرا، قاضی جرجان با دادن خری به‌عنوان رشوه به صدر، به این منصب دست یافت (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۴۵۵). بی‌شک نابسامانی‌های سیاسی و عدم تمرکز حکومت بر امر قضاوت سبب فساد اخلاقی در دستگاه قضاوت بود. بخشی از این نابسامانی‌ها در تقابل دو نهاد امارت و وزارت و در قالب نزاع دو عنصر ترک و تاجیک نمود یافت که تمامی تزوکات تیموری را در خصوص برقراری قوانین مغولی-اسلامی تحت شعاع قرار داد. عامل دیگر در برهم خوردن وزنه نظم و امنیت اجتماعی تضعیف ساختار حاکمیت تیموری بود که همراه با فشارهای ازبکان و جنگ‌های خانگی بر وخامت آن افزوده می‌شد. زین‌الدین محمود واصفی، از مورخان و ادیبان اوایل قرن دهم هجری، در یکی از آثار ارزشمند خود به نام «بدایع الوقایع» به آشفتگی اوضاع اجتماعی و فقدان امنیت قضایی در اواخر دوره تیموریان پرداخته است. از گزارش‌های او در این اثر چنین برمی‌آید که در آن ایام هر کس جرم بزرگی مرتکب می‌شد، پس از وقوف بر گناه، مردم کوچه و بازار او را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند و در اغلب موارد منتظر رسیدگی و صدور حکم قاضی نمی‌شدند (واصفی، ۱۳۵۰: ۲۳۰-۲۲۷/۲).

اسفزاری در بیان وقایع سال ۸۶۱ هـ. ق ضمن ذکر حوادث بعد از فوت ابوالقاسم بابر میرزا چنین می‌نویسد: «در این سال اختلال تمام در خراسان راه یافت و در هر گوشه مفسدی و متغلبی سر برآورده، خیال استقلال در سر انداخت و در هر ناحیتی شریری و مفتی خروج کرده، سودای استقلال در دماغ و به سبب عدم پادشاهی ذی شوکت که به دفع مضار اخطار و انزجار فجار و اشرار اقدام نماید، در اطراف مملکت سلب ونهب و هرج و مرج ظاهر شد... و پیداست که چنین احوالی، دست ظلمه و فسد به جان و مال و اعراض و نوامیس مردم گشوده می‌شود و اجحافات گوناگون از قوه به فعل در می‌آید» (زمچی اسفزاری: ۱۹۲-۱۹۱/۲).

نتیجه‌گیری

ماهیت حکومت تیموریان در خصوص برقراری نظم و امنیت اجتماعی بر پایه دو سنت مغولی و اسلامی بنا شده بود؛ قوانینی که تیمور مبدع و مبتکر آن بود. تزوکات تیموری مجموعه مدون قوانین تیمور نمونه بارز و عینی قوانین تیموری است. در این اثر مجموعه وصایا، سفارش‌ها و قوانین از سوی تیمور به مجموعه طبقات مختلف یادآوری شده است. تیمور در این اثر بر برقراری امنیت و نظم اجتماعی و مساوات تأکید فراوان کرده است. بررسی متون تاریخی دوره تیموری نشان می‌دهد که قوانین مندرج در تزوکات تیموری حداقل در زمان شخص تیمور به دستور و توسط او اعمال شده است. در دوره حکومت تیمور، وی اولین مقام حکومتی و در حقیقت در کسوت قاضی ایفای نقش می‌کرد. مجازات‌ها در قبال تخلفی از قانون و ایجاد ناامنی از سوی خاطیان توسط تیمور صورت می‌گرفت. مجموعه قوانین هم به شیوه یاسا و هم به پیروی از دستورات اسلامی انجام می‌گرفت؛ اما این رویه با مرگ تیمور تغییر یافت. اگرچه جانشینان تیمور همانند او بر مشروعیت بخشی تیموریان و انتساب آن به چنگیز پافشاری می‌کردند، اما با مرور زمان و رفته رفته در فرهنگ اسلامی و ایرانی مستحیل گردیده و چه بسا منطبق بر قوانین اسلامی حکم قضایی می‌دادند. در دوره شاهرخ

امنیت و نظم اجتماعی با کمک و به همت کارگزاران ایرانی بر جامعه تیموری طنین انداز شد. مفاد مندرج در تزوکات در دوره جانشینان تیمور بیشتر بر مبنای شریعت اسلامی انجام می‌شد تا سنت مغولی. در دوره‌های بعد نظیر حکومت ابوسعید تیموری نیز همین رویه کماکان ادامه یافت. پس از چندی هم‌زمان با آغاز و شدت نابسامانی‌های سیاسی و مرزی، ناامنی و بی‌نظمی در دستگاه حکومت تیموریان رخنه کرد و شیوه نادرست حکومتی در دستگاه قضا و قضاوت بیتوته کرد. رشوه‌خواری، ظلم و ستم و... جامعه عصر تیموری را به سمت سراشیبی کشاند. سلطان حسین بایقرا آخرین سلطان تیموری نه تنها نتوانست در برابر سیل این بی‌نظمی بایستد، که چه بسا با سیاست‌های نه‌چندان نابخردانه به بر هم زدن امنیت و نظم اجتماعی نیز دامن زد. در این میان نه یاسای چنگیزی و نه قوانین اسلامی هیچ کدام متضمن اجرای احکام قضایی نشدند و حکومت تیموری نتوانست بر میثاق و اهداف نیای خود تیمور در باب برقراری نظم، امنیت و عدالت وفادار بماند.

منابع

- ابن عربشاه، (۱۳۵۶)، عجایب المقدور فی اخبار تیمور، ترجمه محمدعلی نجاتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- الهیاری، فریدون و سمائی دستجردی، معصومه (۱۳۸۸). "سیاست قضایی سلاطین تیموری"، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ش ۵، ص ۳۵-۶۲.
- باخرزی، عبدالواسع نظامی، منشاء الانشا، نسخه خطی شماره ثبت ۸۶۶۹۶، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- حافظ ابرو (۱۳۷۲). زبده التواریخ، مقدمه و تصحیح سید کمال حاج سیدجوادی، ج ۱-۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسینی تربتی، ابوطالب (۱۳۴۲). تزوکات تیموری، تهران: کتاب‌فروشی اسدی.
- خوفی، فصیح احمد بن جلال الدین محمد (۱۳۳۹). مجمل فصیحی، تصحیح محمود فرخ، مشهد: کتاب‌فروشی باستان.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین حسینی (۱۳۳۳). حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، ج ۳-۴-۶، چاپ دوم، تهران: کتاب‌فروشی خیام.
- زمجی اسفزاری، معین‌الدین محمد (۱۳۳۹). روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، تصحیح سید محمدکاظم امام، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- سمائی دستجردی معصومه؛ عابدین‌پور جوشقانی، وحید (۱۳۹۱). "آئین محاکمه و مجازات در دوره تیموریان"، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال بیست و دوم، ش ۱۳، ص ۱۵۶-۱۲۹.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۷۲). مطلع السعدین و مجمع البحرین، چاپ ۲، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی پژوهشگاه.
- سمرقندی، دولت‌شاه (۱۳۸۲). تذکره الشعراء، تصحیح ادوارد بروان، تهران: اساطیر.
- عزیزیان، عبدالمحمد (۱۳۸۶). "دیوان‌سالاری عهد تیموری" مجله رشد آموزش تاریخ، ش ۲۸، ص ۵۳-۵۲.
- کاتب یزدی، احمد بن حسین بن علی (۱۳۴۵). تاریخ جدید یزد، تصحیح ایرج افشار، تهران: فرهنگ ایران زمین.
- کلاویخو، گنزالز (۱۳۶۶)، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی.

- منز، بناترس فوربز (۱۳۷۷). برآمدن و فرمانروایی تیمور، ترجمه منصور صفت‌گل، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- میبدی، قاضی کمال‌الدین میرحسین بن معین‌الدین (۱۳۷۶). منشآت میبدی، تصحیح و تحقیق نصرت‌الله فروهر، تهران: میراث مکتوب و انتشارات نقطه.
- میرخواند، محمد بن سید برهان‌الدین خواندشاه (۱۳۳۹). روضه الصفا، ج ۶-۷، تهران: کتابخانه خیام.
- ناصری داوودی، عبدالحمید (۱۳۷۸). تشیع در خراسان عهد تیموریان، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۴۱). اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (از تیمور تا شاه اسماعیل)، تهران: علمی و فرهنگی.
- واصفی، زین‌الدین محمود (۱۳۴۹). بدایع‌الوقایع، تصحیح الکساندر بلدروف، ج ۲، چ ۲، بی‌جا: بنیاد فرهنگ ایران.
- یارشاطر، احسان. شعر فارسی در عهد شاهرخ، تهران: دانشگاه تهران.
- یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۳۶). ظفرنامه، به تصحیح و اهتمام محمدعباسی، ج ۱-۲، تهران: امیرکبیر.
- "یادداشت‌هایی در خصوص تزوک نامه تیموری" (۱۳۹۰)، پیام بهارستان سال سوم تابستان، شماره ۱۲.